

تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقشگرای نظام‌مند هالیدی

معصومه مهرابی^{*}، آرمان ذاکر^۱

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران

پذیرش: ۹۲/۶/۲۲

دریافت: ۹۲/۲/۲۲

چکیده

در این مقاله، با بهکار بستن رویکرد نقشگرای نظام‌مند هالیدی بر داده‌های زبانی چند حکایت از گلستان سعدی، سعی شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: در سبک‌شناختی حکایات مورد نظر که به طور اتفاقی انتخاب شده‌اند، چه عناصر زبانی برجسته شده‌اند و از چه فرآیند تجربی در هر حکایت بیشتر استفاده شده است؟ دلیل کاربرد آن فرانش در آن داستان چیست و آیا نوع فرانش تجربی مضمون مطرح را برجسته‌سازی می‌کند؟ فرضیه این پژوهش این است که مضماین مطرح در این حکایت با صورت زبانی به کار رفته در آن‌ها ارتباط نزدیک دارد؛ به سخن دیگر، مضماین مورد نظر نویسنده در صورت زبانی، برجسته‌سازی شده‌اند. پس از تحلیل آماری داده‌ها این نتیجه حاصل شد که مضمون مورد نظر نویسنده در حکایت‌ها با نوع فرآیند تجربی و فرانش ارتباطی متبلور در افعال جملات از نظر بسامدی ارتباط دارد؛ اما تفاوت معنی دار میان فرآیندهایی که مستقیماً با مضمون مرتبط هستند و انواع دیگر فرآیندها تنها در نمونه‌های بزرگی که تعداد افعال در آن‌ها بیشتر است قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: دستور نقشگرای نظام‌مند، فرانش، مضمون، سبک، داستان‌های گلستان.

۱. مقدمه

در این مقاله، با استفاده از رویکرد نقشگرای نظام‌مند هالیدی و بهکارگیری روش کمی مورد نظر او، علل زیبایی چند حکایت از گلستان سعدی را بررسی می‌کنیم. پرسش اصلی این است که آیا قرابتی میان مضمون و برجسته‌سازی زبانی همان مضمون در هر حکایت وجود دارد؛ به سخن دیگر، آیا از نوع و

تعداد فرائقش‌های تجربی مطرح در هر داستان به مضمون اصلی می‌توان هدایت شد. فرضیه پژوهش این است که چنین است و مضمون هر داستانی به صورت زبانی و از طریق فرائقش‌ها کدگاری و برجسته‌سازی شده است. با استفاده از روش کمی و آمارهای توصیفی و استنباطی داده‌ها را تحلیل کرده‌ایم.

در زبان‌شناسی نقشگرای نظام‌مند^۱، زبان نظامی از نشانه‌های دارای معنی است. صورت^۲ زبانی که به کار می‌رود به جنبه‌های مختلف گفتمانی بستگی دارد. هالیدی (۱۹۹۴) معتقد است که این چارچوب نظری را می‌توان در تحلیل شاخه‌ای از گفتمان به کار برد که در گذشته سبک‌شناسی نامیده شده است. همل سبک‌شناسی را مطالعه نظام‌مند شیوه‌های معنی‌سازی توسط ابزارهای زبانی در ادبیات می‌داند (Hamel, 2011: 255). بات و لوکین (۲۰۰۹) نیز معتقدند که کار اصلی تحلیل‌های سبک‌شناسی، بیرون کشیدن صورت سازمان‌بندی شده در متون مورد بررسی است. هالیدی و حسن (۱۹۷۶، ۱۹۸۵) نقش تحلیل‌های سبک‌شناسی را پیدا کردن مبنای کمی مناسب برای تحلیل محتوای متون می‌دانند.

۲. پیشینه مطالعات

فرث (۱۹۵۷) با معرفی مفهوم «نظام»، به مکتب نقشگرایی قوت بخشید. درنظر او، نظام دسته‌ای از انتخاب‌های جانشینی و یا به عبارت بهتر، تعدادی از گزینه‌های جایگزین‌شونده^۳ است. درنظر هالیدی (۱۹۷۲)، نظام دسته‌ای از انتخاب‌ها و گزینه‌ها است. یادگیری نظام نیاز طبیعی کودک برای وارد شدن به اجتماع است (Firth, 1957: 185). ریچاردز (۱۹۲۹) اولین فردی بود که به زبان ادبیات توجه کرد. پس از توجه او به زبان ادبیات، شاخه‌ای به نام سبک‌شناسی ادبی پدیدار شد. افرادی چون لیچ (۱۹۶۹)، اولین بار از الگوی نقشگرایی برای تحلیل سبک‌شناسی رمان و راثان^۴ اثر گلدنگ^۵ استفاده کرد. بررسی (۱۹۷۱) ویژگی‌های زبانی آثار ادبی نیز در آثار کامینگز و سیمونز (۱۹۸۲) و همچنین برج و اтол یافت می‌شود. در سال‌های اخیر نیز بونیفاسیوگونان (۲۰۰۱) از چارچوب نقشی برای تحلیل رمان خانم‌گری^۶ اثر ویرجینیا ولف^۷، استفاده کرد.

در زبان فارسی، نخستین بار مهاجر و نبوی (۱۳۷۶) (الف و ب) زبان ادبی را براساس زبان‌شناسی نقشگرا بررسی و در این خصوص الگوی تحلیلی ارائه کرده‌اند. آقاگلزاده (۱۳۸۴) برای نخستین بار در اثر خود، با استفاده از نظریه نقشگرای هالیدی و الگوی مهاجر و نبوی، زبان ادبی را به صورت موردي تحلیل کرده است. آقاگلزاده، زغفرانلو و رضویان (۱۳۹۰) چهار داستان کوتاه فارسی از جلال آلمحمد و صادق هدایت را براساس نظام گذرايی در چارچوب دستور نقشگرای هالیدی، تجزیه و تحلیل کردند.

آن‌ها سپس بسامد و درصد وقوع انواع فرآیندها پس از بررسی تمامی افعال موجود در داستان‌ها را به عنوان یک شاخص سبکی در نظر گرفتند و تلاش کردند که تفاوت طرز فکر آل‌احمد و هدایت را از این طریق نشان دهند. نبی‌لو (۱۳۹۱) نی‌نامه مولانا را در همین چارچوب نظری، تحلیل کرده است. طبق یافته‌های این مقاله، در نی‌نامه از ۲۱ فرآیند رابطه‌ای، ۱۲ فرآیند مادی، ۷ فرآیند کلامی، ۴ فرآیند ذهنی و ۳ فرآیند رفتاری استفاده شده است. به گفته نویسنده این مقاله، مولانا بیشتر از افعال ربطی استفاده کرده است.

بريمورد نقد گلستان سعدی، نمونه‌هایی چون نقد روان‌شناختی (نظری و همکاران، ۱۳۹۱)، نقد ساختاری حکایت‌ها (حاجی‌علی‌لو، ۱۳۹۰) و نیز نقد روایتشناختی براساس تحلیل گفتمان انتقادی (فلحی و همکاران، ۱۳۸۹) وجود دارد. نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از این چارچوب فکری نوین برای تحلیل معنی‌شناختی گلستان سعدی، به‌متابه یک اثر کلاسیک فارسی است تا روشن شود که قربت میان مضمون هر داستان و نوع فرانش متجلی در هر داستان و حکایت تا چه حد است. برای این کار، از آزمون آماری نیز استفاده شده است که در پژوهش‌های پیشین، به‌کار نرفته است.

۳. ملاحظات نظری

تامپسون معتقد است که با شنیدن جمله^۱، به راحتی می‌توان دریافت که مخاطب سخنگویی است که خود زبان پیچیده‌ای ندارد و در حال گوش دادن به یک داستان افسانه‌ای^۲ است (Thompson, 1996: 10):

۱. یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود یک خرس بزرگ بدجنس بود.
اصول دستور نقشگرای نظاممند هالیدی به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:
۱. در این چارچوب فکری، نقش جملات و معانی آن‌ها یکی است.
۲. در این رویکرد، سه نوع نقش (معنی) زیر وجود دارد که به آن‌ها فرانش^۳ گفته می‌شود:
الف. فرانش تجربی^۴: به این معنی که از زبان به قصد صحبت درباره تجارب خود از دنیا درون یا بیرون استفاده می‌کنیم و زبان را برای توصیف حوادث، حالات و موجودیت‌های جهانی به‌کار می‌بریم.
ب. فرانش بینافردی^۵: به این معنی که از زبان برای تعامل با دیگران استفاده می‌کنیم تا با آن‌ها رابطه برقرار و این رابطه را حفظ کنیم، بر رفتارشان اثر بگذاریم، نظر خود را درباره آن‌ها و امور دیگر بیان کنیم و نظر آن‌ها را دریابیم و یا تغییر دهیم.
ج. فرانش متنی^۶: به این معنی که از زبان برای سازماندهی پیام استفاده می‌کنیم؛ به‌طوری که

نشان دهد چگونه آن پیام به پیام‌های اطرافش و با بافتی که در آن به کار رفته است، تناسب دارد (Bloor & Bloor, 2004: 9).

۲. در این رویکرد، منظور از کلمه «دستور»، انطباق میان صورت^{۱۳} و نقش^{۱۴} است و واژه‌پردازی را نقش‌های زبانی تعیین می‌کند.

۴. در این رویکرد، عوامل فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده نوع زبان به کار رفته است.

۵. برای تحلیل نقشی یک جمله در هریک از سطح فرانشها (تجربی، بینافردی و متنی) از سازکار و اصطلاحات خاص خود استفاده می‌کنیم. برای مثال، جمله ۲ در سه سطح زیر تحلیل نقشی شده است:

۲. چه کسی کتاب من را برد؟ است؟

تجربی: چه کسی: کشنگر (مشارک) کتاب: هدف (مشارک) فرآیند

بینافردی: چه کسی: فاعل کتاب من را: متم گزاره‌نما و برد است: زمان داری

متنی: چه کسی: مبتدا بقیه جمله: خبر

از آنجا که در این مقاله می‌خواهیم چند حکایت از کتاب گلستان سعدی را با رویکرد نقشی و از دیدگاه فرانش تجربی تحلیل کنیم، درادمه، چگونگی بازنمود جهان از طریق فرانش تجربی را بررسی می‌کنیم. فرآیندها با توجه به اینکه مهمترین بخش معنای گزاره‌ای هستند، به چند دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف. فرآیندهای تجربی مادی که دارای عمل‌کننده (کشنگر)، فرآیند و هدف هستند و به همه افعال مادی و فیزیکی اختصاص دارند. برای مثال، در جمله‌های ۳ و ۴، فرآیندهای تجربی از نوع مادی وجود دارند:

۲. او لیوان را شکست.

۴. او چوب را ارده کرد.

او: کشنگر چوب و لیوان: هدف فعل‌ها: فرآیندهای مادی

متھینس، ترویا و لم افعال مادی را به دو بخش «انجام دادن» و «اتفاق افتادن» تقسیم کرده‌اند (Matthiessen & et al, 2010: 315)؛ بنابراین، فعل «سوختن» نوعی اتفاق افتادن است و «ساختن» نوعی انجام دادن.

ب. فرآیندهای تجربی ذهنی، شامل آنچه در دنیای ذهنی گوینده اتفاق می‌افتد؛ مانند خواستن، دیدن، دوست داشتن، فکر کردن و سایر فرآیندهای شناختی. در اینجا، فعل جمله بیانگر فرآیند ذهنی است و فرد حس‌کننده^{۱۵} و پدیده^{۱۶} حس شده نیز در این فرآیند تجربی دخیل هستند.

ج. فرآیندهای تجربی رابطه‌ای^{۱۷} که در آن‌ها، رابطه‌ای میان دو عنصر جمله برقرار است. این رابطه را فعل جمله بیان می‌کند. فرآیندهای تجربی رابطه‌ای چهار نوع نسبتی^{۱۸} (مثال ۵)، هویتی^{۱۹} (مثال ۶)،

موقعیتی^{۲۰} (مثال ۷) و ملکی^{۲۱} (مثال ۸) هستند.

۵. نان بیات است.

حمل‌کننده صفت صفت فرآیند رابطه‌ای

۶. مریم خواهر ماست.

عنصر مشخص شده هویت فرآیند رابطه‌ای

۷. آشپزخانه پشت خانه بود.

حمل‌کننده صفت موقعیتی صفت موقعیتی فرآیند رابطه‌ای

۸. مریم موهای بلندی دارد.

مالک عنصر تحت‌تمک فرآیند رابطه‌ای

متھینس، ترویا و لم افعال «داشتن» و «بودن» را دو دسته مهم افعال رابطه‌ای می‌دانند (*Ibid*).

۹. فرآیند تجربی کلامی که در آن، رابطه‌ای میان گوینده^{۲۲} و گفته‌شده^{۲۳} و دریافت‌کننده پیام^{۲۴}

موجود است و در افعال مربوط به گفتن و افعال کلامی تبلور می‌یابد.

۱۰. فرآیند تجربی رفتاری که با افعال بیانگر کنش رفتار بیان می‌شوند؛ افعالی چون خوردن، خنیدن، نالیدن، فرار کردن و ... در اینجا، از آنجا که الگوی بات و لوكین (۲۰۰۹) مورد نظر بوده است و برای جلوگیری از اطماب در تنظیم جدول‌ها، فرآیندهای وجودی را در زمرة فرآیندهای رابطه‌ای محسوب کرده‌ایم. در برخی از متون پژوهشی، همچون پژوهش امینی (۱۳۹۲) نیز از فرآیند وجودی به عنوان فرآیندی فرعی در فرانش تجربی یاد می‌شود.

پرسش‌ها و فرضیه‌ها

در این پژوهش، کوشیدیم که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- در سبک‌شناسی حکایات مورد نظر که به طور اتفاقی انتخاب شده‌اند، چه عناصر زبانی برجسته

شده‌اند و از چه فرآیند تجربی در هر حکایت بیشتر استقاده شده است؟

- دلیل کاربرد آن فرانش در آن داستان چیست و آیا نوع فرانش تجربی با مضمون مطرح ارتباط

تنگاتنگ و نزدیک دارد؟

فرضیه این پژوهش این بوده است که مضماین مطرح در این حکایت با صورت زبانی به کاررفته در

آن‌ها ارتباط نزدیک دارند؛ به سخن دیگر، مضماین مورد نظر نویسنده در صورت زبانی برجسته‌سازی

شده‌اند.

روش کردآوری و تحلیل داده‌ها

یکی از مزایای تحلیل پیکره‌ای این است که شرایطی را فراهم می‌کند که با حداقل تلاش، مقادیر زیادی از

اطلاعات تحلیل شوند (باتیا و دیگران، ۲۰۰۸). در اینجا نیز با به کارگیری روش تحلیل پیکره‌ای که

برمبانی تحلیل آماری داده‌های زبانی است، کوشیدیم که به سؤال‌های اصلی پژوهش پاسخ دهیم. پیکرۀ زبانی مورد نظر این پژوهش شامل ۱۵ حکایت از گلستان است. سه حکایت نخست را از پنج باب ابتدایی این کتاب به طور تصادفی انتخاب و تعداد افعال نمایانگر فرآیندهای تجربی در هر حکایت را شمارش کردیم. بسامد هر زیرگروه از این فرآیندها را به صورت نسبی و درصدی اعلام نمودیم. آزمون آماری مناسب بررسی معنی‌داری این تفاوت‌ها، آزمون آماری مجذور کا (خی دو)^۰ است. به دلایل زیر، از آزمون آماری مجذور کا (خی دو) استفاده کردایم:

۱. پرسش پژوهش این است که آیا می‌توان از نوع و تعداد فرانش‌های تجربی مطرح در هر داستان به مضمون اصلی رسید؛ به سخن دیگر، شیوه بر جسته‌سازی مضمون در این داستان‌ها از طریق فرانش‌ها به چه صورت است (ارتباط میان مضمون و انواع فرانش‌ها چگونه است که در آن حتماً به تحلیل آماری نیاز است و باید محتوا و مضمون نیز به انواع و زیرشاخه‌هایی تقسیم شود). با این سؤال پژوهش، نوع فرانش‌ها به عنوان متغیر مستقل و مضمون به عنوان متغیر وابسته تعریف می‌شوند. آزمون‌های آماری نظر مجذور کا باعث می‌شوند که اندازه‌گیری‌های اسمی امکان‌پذیر شوند (گرین و الیور، ۱۳۸۶: ۳۲). اندازه‌گیری‌های اسمی به این معنی است که متغیر وابسته کمی نیست و به هر دسته از ارقام و داده‌ها اسمی تعلق می‌گیرد.

۲. در آزمون‌های زیر، از آزمون‌هایی که در دو یا چند گروه مرتب و دسته‌بندی شده باشند و نیز میانگین عملکرد آن‌ها استفاده نشده است؛ بلکه بسامد رخداد و تعداد کاربرد هر فعل درنظر گرفته شده است. پیش‌تر به این نکته نیز اشاره شد که این نوع نمونه‌گیری را اندازه‌گیری اسمی می‌نامند.

۳. استفاده از آمار توصیفی، نه استنباطی به تناسب موضوع پژوهش ناقص و نارسا است و استناد به یافته‌های آن نیز غیرعلمی خواهد بود. با این روش به سؤال اصلی پژوهش که ارتباط نوع افعال با نوع مضمون مطرح در هر حکایت است، به طور عینی و با استفاده از مستندات آماری می‌توان پاسخ داد.

۴. تحلیل داده‌ها

در حکایت نخست از باب اول، داستانی مطرح می‌شود که در آن اشتباه کلامی یکی از اطرافیان پادشاه به طور عمده به بخشش مجرمی از جانب پادشاه منجر می‌شود. هنگامی که یکی دیگر از اطرافیانش به این دروغ اعتراض می‌کند، با برخورد پادشاه مواجه می‌شود؛ زیرا او معتقد است که دروغ مصلحت‌آمیز بهتر از راست فتنه‌انگیز است. برای روشن‌تر شدن سازکار نقشگرایی در تحلیل جملات، تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت براساس اصول مطرح در دستور نقشگرایی نظاممند، به شکل زیر قابل طرح است:

پادشاهی را شنیدم که به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در حالت نومیدی به زبانی که داشت

[...]

شنیدم: فرآیند ذهنی و حسکنده (شناسه «م» در شنیدم)/ [که به کشنیدن اسیری اشارت کرد]:

پدیده

اشارت کرد: فرآیند رفتاری / پادشاه: رفتارکننده

داشت: فرآیند رابطه‌ای / بیچاره: مالک/ زبان: عنصر تحت تملک/ در حالت نومیدی: افزوده موقعیتی

(قید)

برای جلوگیری از اطناب، فرآیندهای تجربی دیگر را در قالب جدولی تنظیم کردیم.

جدول ۱ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب اول

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
.	-	مادی
۱۰	شنیدم، دست از ... شستن، <u>نالمید شد</u> (ترجمه فارسی یک فعل عربی)، <u>خشم را فروخوردن</u> ، بر مردم <u>بخشودن</u> ، رحمت در دل آمد، از سر ... درگذشت، دل در ... بست، تکیه به ... کرد، آهنج کاری کرد	ذهنی
۱۱	نماند، نمانند، داشت، دارد، پسندیده آمد (شد)، بود، نشاید، بود، بود، به از ... (است)، حیف باشد	رابطه‌ای
۱۷	دشnam دادن گرفت، سقط گفتن (گرفت)، گفته‌اند، بگوید، دراز شدن زبان، می‌گوید، پرسید، گفت، همی‌گوید، گفت، دشnam داد، سقط گفت، گفت، گفته، گفته‌اند، گوید، نگوید	کلامی
۶	اشارت کرد، حمله می‌کند، دست بگیرد، روی در هم کشید، پرورد، کشت	رفتاری

گفتنی است که افعالی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، در متن به صورت افعال عربی به کار رفته‌اند و در اینجا، معنی فارسی آن‌ها درنظر گرفته شده است. البته باید این توضیح نیز داده شود که فعل «نماند» به معنی «وجود ندارد» به کار رفته است و نمونه‌ای از افعال رابطه‌ای محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که تامپسون معادل انگلیسی این فعل را در طبقه افعال رابطه‌ای قرار داده است (Thompson, 1996: 80).

در این حکایت، در ۳۸/۶ درصد موارد افعال کلامی به کار رفته است. دلایل این امر را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: ۱. قالب داستان در شکل یک مکالمه شکل گرفته است و ۲. مضمون حکایت این است که گاهی دروغ مصلحت‌آمیز که خود رفتاری کلامی است، بهتر از راست فته‌انگیز است. از تعداد بالای فرانش‌های کلامی نتیجه می‌گیریم که اهمیت کلام و گفتار برجسته‌سازی شده است، با مضمون مطرح در این حکایت ارتباط دارد که کلام می‌تواند ذهنیت و روابط را تغییر دهد و این تأثیر

و تأثیر در تعداد افعال کلامی، ذهنی و رابطه‌ای مشخص شده است. فرآیندهای کلامی، رابطه‌ای و ذهنی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل فرانش‌های رفتاری و مادی قرار می‌گیرند که در حاشیه هستند.

از نظر آمار استنباطی، با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=11/68$)، رابطه‌ای میان نوع فرآیند (فعل) به کاررفته در داستان و مضامون داستان موجود است؛ به سخن دیگر، تفاوت معنی داری میان افعال و فرآیندهای کلامی با انواع دیگر فرآیندها دیده می‌شود و این نوع فرآیندها به طور معنی داری بیشتر از انواع دیگر به کار رفته‌اند. همچنین، با توجه به ارزش کای به دست آمده ($X^2=4/22$)، فرآیندهای کلامی به طور معنی داری بیشتر از فرآیندهای رابطه‌ای هستند؛ بنابراین، تفاوت میان افعال کلامی و رفتاری/ ذهنی نیز معنی دار است.

در حکایت دوم، این مفهوم مطرح می‌شود که هیچ چیز، حتی ملک پادشاهان، پایدار نمی‌ماند؛ مگر نیکی انسان. نخست تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت را انجام می‌دهیم:
یکی از ملوک خراسان محمود سبکتکین را به خواب چنان دید که جمله وجود او ریخته بود و خاک شده بود [...]

به خواب دید: فرآیند ذهنی / یکی از ملوک خراسان: حسکنده / محمود سبکتکین: پدیده
ریخته بود و خاک شده بود: فرآیندهای مادی / وجود: هدف / جمله: افزوده قیدی

جدول ۲ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب اول

نوع فرآیند	نمونه‌ها	تعداد
مادی	دیخته (شده) بود، می‌گردید، خاک شده (بود)، دفن کردند، گذشت	۵
ذهنی	خواب دید، نظر می‌کرد، از ... فرو ماندند (تشخیص ندادن، نفهمیدن)، به جای آورد (تشخیص داد، فهمید)، غنیمت شمار	۵
رابطه‌ای	(نکران) است، (با دگران) است، نشان نماند، نماند، نماند، نماند	۷
کلامی	گفت	۱
رفتاری	دفن کردند، به خاک سپرندند، بخورد، خیری کن	۴

این مفهوم که در دنیا هیچ چیز نمی‌ماند و همه چیز در حال گزار، از بین رفتن و محکوم به فنا است، با تعداد زیادی از افعال رابطه‌ای بیان شده است که $21/8$ درصد موارد فعلی را شامل می‌شوند. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=5/2$)، فرآیندهای رابطه‌ای به طور معنی داری بیشتر از فرآیندهای دیگر به کار رفته‌اند. تفاوت دو به دوی فرآیندهای رابطه‌ای و مادی/ ذهنی، فارغ از تعداد کل فرآیندها، معنی دار

نیست؛ زیرا ارزش مقداری کای به دست آمده ($X^2 = 0.6$) است.

در حکایت سوم از باب نخست، داستان ملکزاده‌ای مطرح می‌شود که با وجود ظاهر ناخوشایند و نامناسبش، با اعمال شجاعانه‌اش لیاقت‌ش را نشان می‌دهد، ذهنیت پدر را عوض می‌کند و سرانجام اختیار امور را به دست می‌گیرد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

ملکزاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر (بود) [...]

شنیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در شنیدم) / [که ملکزاده‌ای کوتاه بود و حقیر] پدیده

بود و (بود محفوظ): فرآیندهای رابطه‌ای / ملکزاده: حمل‌کننده صفت^۷ / کوتاه و حقیر: صفت

جدول ۳ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب اول

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۲	نگنجد، مردن	مادی
۲۰	شنیدم، شنیدی، نظر کرد، به جای آورد (دیریافت و تشخیص داد)، پیسنیدند، برنجیدند، شنیدم، بینی، بینی، نمود (به نظر رسید، پندراری، آهنگ کاری کردن، شنیدم، نظر بیش کرد، کرد (انتخاب کرد در وليعهد کرد)، حسد بردن، دیدن، دریافت، آگهی دادن، معین کرد	ذهنی
۲۱	فتنه نشست (از بین رفت، نزاع برخاست (به وجود آمد)، بود، بود (محذوف)، بودند (محذوف)، به از (بهتر است)، است (محذوف در عبارت مهتر ...)، است (محذوف در عبارت بهتر ...)، بود، است (محذوف در عبارت به ...)، باشد، است، باش، بود، باشم، منم، به کار آید (مناسب است و یک نمونه محذوف نیز دارد)، بود (یک نمونه محذوف نیز دارد)، گشت، شود، است	رابطه‌ای
۱۰	گفت، گفت، سخن نگفته باشد، گفت، بگفت، گفت، آورده‌اند، گفت، گفت، گفته‌اند	کلامی
۳۱	روی نمود (حمله کرد در عبارت دشمنی صعب روی نمود) بخندید، روی در هم آوردن، جهانید، بازی می‌کند، جنگ آرد، بگریزد، بر سپاه دشمن زد، باز آمد، بینداخت، باز آمد، بیوسید، نعره زد، بکوشید، بپوشید، حمله بردن، پیروز شد، ظفر یافتند، بیوسید، در کثار گرفت، زهر کردند، بر هم زد، دست از طعام باز کشید، جای ... را گرفت، آمد، بخواند، گوشمالی داد، بخسبند، خوردن، بذل کردن (بخشیدن مال)، بگیرد	رفتاری

در این حکایت، تعداد بالای افعال رفتاری (۳۷ درصد موارد) به منظور بر جسته‌سازی اهمیت عملکرد فرد به کار رفته است؛ عملکردی که ممکن است نحوه نگوش دیگران و نیز روابط امور را در جهان تغییر

دهد و بر آن‌ها تأثیر بگذارد. این دقیقاً همان نکته‌ای است که مضمون اصلی داستان بر آن تأکید دارد. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2 = 12/5$)، تعداد بسامدی فرآیندهای رفتاری به‌طور معنی‌داری بیشتر از انواع دیگر فرآیندها است و فرضیه صفر رد می‌شود. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2 = 30/8$)، تفاوت میان افعال رفتاری و کلامی / مادی نیز معنی‌دار است؛ اما تفاوت میان فرآیندهای رفتاری و رابطه‌ای به‌دلیل مقدار کای به دست آمده ($X^2 = 0/0.1$) فاقد معنی است.

در اولین حکایت از باب دوم (اخلاق درویشان)، کسی از پارسایی می‌پرسد که درباره فردی چه نظری دارد و او جواب می‌دهد که در ظاهرش عیین نمی‌بینم و غیبگو نیز نیستم که از باطنش مطلع باشم؛ پس بهتر است که درباره همه افراد تفکر مثبت داشته باشیم. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

یکی از بزرگان پارسایی را گفت: چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق او به طعنه سخن‌ها

[گفته‌اند [...]

گفت: فرآیند کلامی / گوینده: یکی از بزرگان / دریافت‌کننده پیام: پارسایی / پیام: [چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق او به طعنه سخن‌ها گفته‌اند]

گویی: فرآیند کلامی / گوینده: یکی از بزرگان / دریافت‌کننده پیام: پارسایی / پیام: چه /

گفته‌اند: فرآیند کلامی / گوینده: دیگران / پیام: سخن‌ها

در جدول ۴، فرآیندهای ذهنی بیشتر افعال را به خود اختصاص داده‌اند (۵۰ درصد موارد)؛ زیرا بیانگر نظر پارسا است و نظر او از طریق افعال ذهنی بر جسته شده است.

جدول ۴ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی در حکایت ۱ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
.	-	مادی
۶	نفی‌بینم، نمی‌دانم، بینی، دان، انگار، ندانی	ذهنی
۲	چیست، چه کار (دارد)	رابطه‌ای
۴	گفت، گویی، گفته‌اند، گفت	کلامی
.	-	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2 = 0/44$)، فرآیندهای ذهنی در این داستان به‌طور معنی‌داری بیشتر از انواع دیگر به کار نرفته‌اند و همچنین تفاوت میان فرآیندهای ذهنی و کلامی / رابطه‌ای نیز معنی‌دار نیستند که به ترتیب دارای ارزش کای $X^2 = 3/45$ و $X^2 = 0/88$ هستند.

در دومین حکایت از باب دوم، درویشی در کعبه درحال تقاضای استغفار و عفو از خداوند است و

معتقد است که سرمایه‌اش امید به رحمت و بخشش است، نه عبادت و طاعت. در این حکایت، شمار افعال ذهنی بیشتر از هر نوع دیگر است. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه نهاده و همی‌نالید که [...]
 دیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در دیدم) [درویشی سر بر آستان کعبه نهاده و همی‌نالید]: پدیده

سر نهاده: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: درویش

همی‌نالید: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: درویش

جدول ۵ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی در حکایت ۲ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
-	-	مادی
۱۰	دانی، خواهند، خواهند، امید آورده‌ام، نه طاعت (آورده‌ام)، برآنم، جرم بخشی، دیدم، پذیرفتن، قلم کشیدن برگناه (به معنی بخشودن گناه)	ذهنی
۳	نارام، اهله (سزاوار بودن)، فرمان نباشد	رابطه‌ای
۶	عذر آوردم، توبه کنند، استغفار کنند، فرامایی، همی‌گفت، می‌نگویم	کلامی
۹	سر بر ... نهاده، همی‌نالید، از ... چه آید (چه می‌کند)، آمدما، آمدام (محظوظ)، چنان کن (اصنع)، کشی، روی و سر بر آستانم، می‌گریستی	رفتاری

تعداد بالای این افعال ذهنی (۳۶ درصد موارد) به برجسته‌سازی ذهنیت و نحوه نگرش درویش در مقابل خداوند کمک می‌کند و نشان می‌دهد که آنچه در ذهن و روانش می‌گذرد، برای او اهمیتی بیشتر از رفتار و کلام دارد. همچنین، با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2 = 4/48$)، فرآیندهای ذهنی به طور معنی‌داری بیشتر از فرآیندهای دیگر به کار رفته‌اند و فرضیه صفر رد می‌شود. تفاوت افعال ذهنی و رفتاری فاقد معنی ($X^2 = 1/5$)، تفاوت فرآیندهای ذهنی و کلامی ($X^2 = 8/6$) و نیز ذهنی و رابطه‌ای ($X^2 = 4/1$) معنی‌دار هستند.

در حکایت سوم از باب دوم، نیایش و راز و نیاز عبدالقادر گیلانی با خداوند مطرح می‌شود. در این حکایت، مانند دو حکایت پیشین از باب دوم، درویش درحال بازگویی حالات درونی خویش با خداوند است و تقاضای عفو و بخشش او توسط تعداد بالای افعال ذهنی (۵۰ درصد موارد) در مقایسه با فرآیندهای تجربی دیگر، به برجسته‌سازی این فرآیند اختصاص دارد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

عبدالقادر گیلانی را در حرم کعبه دیدند روی بر حسبا نهاده و همی‌گفت: [...]

دیدند: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «ند» در دیدند/ عبدالقدیر گیلانی در حرم کعبه روی بر حسباً نهاده: پدیده روى نهاده: فرآيند رفتاري/ رفتارکننده: عبدالقدیر گیلانی همي گفت: فرآيند کلامي/ گوينده: عبدالقدیر گیلانی/ پيام: جمله یا جملاتی که پس از آن می‌آيد.

جدول ۶ خلاصه‌ای از فرآيندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآيند
۱	باد می‌آيد	مادي
۶	رحمه الله عليه (خداوند او را ببخشید)، دیدند، ببخشاي، فراموشت نکنم، باد می‌آيد، برانگيز	ذهني
۲	مستوجب عقوبت، شرمسار نشوم	رابطه‌اي
۲	همي‌گفت، همي‌گويم	کلامي
۱	روى بر حسباً نهاده	رفتاري

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=3/74$)، فرآيندهای ذهنی در سطح اطمینان ۰/۰۵ نه که سطح اطمینان مورد نظر در سایر تحلیل‌ها بوده است، تفاوت معنی‌داری با فرآيندهای دیگر دارد؛ اما تفاوت معنی‌داری میان فرآيندهای ذهنی و رابطه‌ای/ کلامی با توجه به کا ($X^2=0/88$) دیده نمی‌شود. در حکایت اول از باب سوم (در فضیلت قناعت)، نظر گدایی درباره علت وجود گدایان بیان می‌شود. او معتقد است که گدایان قناعت ندارند و اغتنی انصاف. به عقیده او، هیچ نعمتی بالاتر از قناعت نیست. او از طریق افعال رابطه‌ای (۵۶ درصد موارد)، جریان امور را آن‌گونه بیان می‌کند که تصور می‌کند واقعی است. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

خواهندۀ مغربی در صف برازان حلب می‌گفت: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را

قناعت (بودی) [...]

می‌گفت: فرآیند کلامی/ گوینده: خواهندۀ مغربی/ پیام: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت (بودی) ... دریافت‌کننده پیام: خداوندان نعمت/ در صف برازان حلب: افزوده موقعیتی انصاف بودی (انصاف داشتید): فرآیند ذهنی/ حس‌کننده: شما

جدول ۷ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب سوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
.	-	مادی
۳	انصف بودی (انصف داشتن)، قناعت (قناعت داشتن مذوف)، توانگر گردان	ذهنی
۵	رسم ... از جهان برخاستی، نیست، است، نیست، نیست	رابطه‌ای
۱	می‌گفت	کلامی
.	-	رفتاری

با توجه به مقدار کای بهدست آمده ($\chi^2 = ۰/۳۲$)، فرآیندهای رابطه‌ای تفاوت معنی‌داری با فرآیندهای دیگر ندارند. همچنین، میان فرآیندهای رابطه‌ای و ذهنی ($\chi^2 = ۰/۱۷$) و فرآیندهای رابطه‌ای و کلامی ($\chi^2 = ۰/۴۲$) تفاوتی وجود ندارد.

در حکایت دوم از باب سوم، داستان دو امیرزاده مطرح می‌شود که یکی تحصیل علم کرده و دیگری به اندوختن ثروت مشغول شده است. امیرزاده تحصیل کرده در پاسخ سرزنش برادرش که معتقد بود که او فقیر مانده است، تفکر خود و ذهنیت و نگرش خود درباره علم را بیان می‌کند و معتقد است که علم آموزی میراث پیامبران و زرائدوزی میراث فرعون است و به این دلیل شکرگزار است. این شیوه تفکر با برجسته‌سازی افعال ذهنی (۳۵ درصد موارد) در داستان تجلی می‌یابد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

دو امیرزاده در مصر بودند: یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت [...]

بودند: فرآیند رابطه‌ای / دو امیرزاده: حمل کننده‌های صفت / در مصر: صفت موقعیتی

آموخت: فرآیند ذهنی / حس‌کننده: یکی / پدیده: علم

اندوخت: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: آن دیگری

جدول ۸ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب سوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۱	رسیدم	مادی
۶	آموخت، نظر کرد، شکر کردن باید، یافتم، یافته (فعل مذوف)، شکر نعمت گزارم	ذهنی
۵	بودند، گشت، شد، در مسکن بمانده است، ندارم	رابطه‌ای
۲	گفت، گفت	کلامی
۳	اندوخت، بناشد، بمالند	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2=2/29$), فرآیندهای ذهنی تفاوت معنی داری با فرآیندهای دیگر ندارند. میان فرآیندهای ذهنی و رابطه ای ($\chi^2=0/29$) نیز تفاوتی نیست. در حکایت سوم از باب سوم، داستان درویشی مطرح می شود که با وجود فقر، به آنچه دارد قناعت می کند؛ زیرا فکر می کند که آنچه دارد و جریان عادی امور، از بردن حاجت نزد دیگران بهتر است. درواقع او آنچه هست و قناعت را بر کارهای دیگر ترجیح می دهد. ترجیحات ذهنی او با افعال ذهنی بیان می شوند (با ۳۸ درصد موارد فعلی) و پذیرفتن جریان عادی امور با افعال رابطه ای که تعداد زیادی (با ۳۳ درصد موارد فعلی) در حکایت دارد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می سوخت و خرقه بر خرقه می دوخت [...]

شنیدم: فرآیند ذهنی و حس کننده (شناسه «م» در شنیدم) / [که] درویشی در آتش فاقه می سوخت و خرقه بر خرقه می دوخت / پدیده

می سوخت: فرآیند مادی

می دوخت: فرآیند رفتاری / رفتار کننده: درویشی

جدول ۹ خلاصه ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب سوم

تعداد	نمونه ها	نوع فرآیند
۱	می سوخت	مادی
۸	شنیدم، تسكین می کرد، قناعت کنیم بر در دلها نشسته است (برای خوشحال کردن دیگران آماده است) میان به خدمت ... پسته (برای خدمت آماده است)، مطلع گردد، منت دارد، غنیمت شمارد	ذهنی
۷	به (است از)، دارد، دارد (محذوف)، خاموش (باش محذوف)، به (است از)، به (است از)، است	رابطه ای
۳	گفت، گفتش، گفت	کلامی
۲	می دوخت، نبشت	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2=2/52$), فرآیندهای ذهنی تفاوت معنی داری با فرآیندهای دیگر ندارند. تفاوت آن ها با فرآیندهای کلامی و رفتاری معنی دار ($\chi^2=3/2$) است. افعال ذهنی و رابطه ای تفاوت معنی داری ندارند ($\chi^2=0/11$).

در اولین حکایت از باب چهارم (در فواید خاموشی)، سعدی خطاب به یکی از دوستان، دلیل امتناع از سخن گفتن نزد دیگران را این می داند که دشمن هر چیز را به بدترین وجه تغییر می کند و می بیند. در این حکایت، نحوه برداشت دشمنان از هنر و حسن دیگران با برجسته سازی نگرش آن ها از طریق تعداد

بالای افعال ذهنی و رابطه‌ای (هردو ۲۸ درصد موارد)، بیان می‌شود؛ افعال ذهنی تا تعبیر و برداشت دشمنان را نشان دهد و افعال رابطه‌ای تا تعبیر آن‌ها را از آنچه هست نشان دهد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

یکی از دوستان را گفتم امتناع سخن گفتم به علت آن اختیار افتاده است که غالب اوقات در نیک و بد اتفاق افتند [...]

گفتم: فرآیند کلامی/ گوینده: «م» در گفتم/ پیام: امتناع سخن گفتم به علت آن اختیار افتاده است که غالب اوقات در نیک و بد اتفاق افتند [...] / دریافت‌کننده پیام: یکی از دوستان/ اختیار افتاده است: فرآیند ذهنی/ حس‌کننده: شناسه «م» در سخن گفتم/ پدیده: امتناع سخن گفتم اتفاق افتند (سوء‌تفاهم پیش می‌آید): فرآیند ذهنی/ حس‌کننده: مذوف/ غالب اوقات: افزوده موقعیتی

جدول ۱۰ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب چهارم

نوع فرآیند	نمونه‌ها	تعداد
مادی	-	۰
ذهنی	اتفاق افتند (سوء‌تفاهم پیش می‌آید)، اختیار افتاده است، دیده جز بر بدی نفی‌آید، نییند، ویلمزه (بر او عیب بگیرد)	۵
رابطه‌ای	به (است)، است، است، است، باشد	۵
کلامی	گفتم، گفت	۲
رفتاری	لایمر (نمی‌گذرد)	۱

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($4/4 = 1^2$)، فرآیندهای ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. تفاوت آن‌ها با فرآیندهای کلامی نیز معنی‌دار ($6/3 = 1^2$) نیست. در دومین حکایت از باب چهارم نیز بر این نکته تأکید می‌شود که نباید از ضرر و زیان خود با دشمن چیزی در میان گذاشت؛ زیرا درد دو برابر می‌شود؛ یکی درد ضرر و زیان و دیگری سرزنش دیگران. در این حکایت، نصحتی بازرگانی به فرزندش و سؤال و جواب آن دو با یکدیگر با تعداد بیشتری از افعال کلامی (۵۰ درصد موارد) بیان می‌شود. افعال کلامی بر این نکته تأکید می‌کنند که چیزی گفته نشود. این نوع از افعال نصحتی بازرگان را به فرزندش برجسته می‌کنند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: باید که این سخن با هیچ‌کس در میان ننهی [...]

خسارت افتاد: فرآیند مادی/ هدف: هزار دینار

گفت: فرآیند کلامی/ گوینده: بازرگان/ پیام: باید که این سخن با هیچ‌کس در میان ننهی .../

دریافت‌کننده پیام: پسر

درمیان ننه: فرآیند کلامی / گوینده: بازرگان / پیام: این سخن / دریافت‌کننده پیام: پسر (شناسه «ی» در ننه) / مقصد پیام: هیچ‌کس

جدول ۱۱ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب چهارم

نوع فرآیند	نمونه‌ها	تعداد
مادی	خسارت افتاد	۱
ذهنی	بدانم	۱
رابطه‌ای	فرمان تو راست (اختیار داشتن)، است، نشود	۳
کلامی	گفت، با کسی درمیان ننه، گفت، مگوی، گویند	۵
رفتاری	-	.

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2 = 47/4 = 11.75$)، فرآیندهای کلامی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. تفاوت آن‌ها با فرآیندهای رابطه‌ای نیز معنی‌دار ($\chi^2 = 17/4 = 4.25$) نیست؛ اما میان فرآیندهای کلامی و مادی/ذهنی ($\chi^2 = 8/4 = 2$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

سومین حکایت از باب چهارم، داستان جوانی خردمند و باسواد است که در محافل دانشمندان از صحبت خودداری می‌کند. او در پاسخ سؤال پدرس به منظور دریافت دلیل امتناع می‌گوید که می‌ترسد از چیزهایی از او سؤال شود که او نمی‌داند. در این حکایت، ترس جوان از نداشتن پاسخ پرسش دیگران با افعال ذهنی (۳۱ درصد موارد) و سخن نگفتن او و تأکید پدرس بر سخن گفتن او با افعال کلامی (۲۱ درصد موارد) برجسته شده‌اند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

جوانی خردمند از فنون فضایل حظی وافر داشت و طبعی نافر (داشت) چنان که در محافل دانشمندان نشستی، سخن نگفته [...]

داشت: فرآیند رابطه‌ای/مالک: جوانی خردمند/عنصر تحت تملک: فنون فضایل، طبعی نافر

نشستی: فرآیند رفتاری/رفتارکننده: جوانی

نگفته: فرآیند کلامی/گوینده: جوانی/پیام: سخن / دریافت‌کننده پیام: نامشخص

جدول ۱۲ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب چهارم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۰	دانی، ترسم، ندانم، شرم‌ساری برم، شنیدی	ذهنی
۲	داشت، داشت (محذوف)	رابطه‌ای
۵	سخن نگفتنی، گفت، بگویی، گفت، پرسنندم	کلامی
۴	نشستی، می‌کوفت، گرفت، بند	رفتاری

با توجه به مقدار کای بهدست آمده ($\chi^2 = ۰/۰۲$)، فرآیندهای کلامی/ ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. آن‌ها با فرآیندهای رفتاری ($\chi^2 = ۰/۰۳$) و رابطه‌ای ($\chi^2 = ۰/۶۲$) نیز تفاوت معنی‌داری ندارند.

در داستان نخست از باب پنجم (در عشق و جوانی)، نویسنده معتقد است که آنچه بر دل می‌نشیند، در دیده هم نیکو به نظر می‌آید. او این مضمون را حقیقی رایج در جهان انسانی می‌یابد و روزمرگی، عادی بودن و واقعیت آن را با افعال رابطه‌ای بیان می‌کند؛ به سخن دیگر، این مضمون رایج و عمومی با تعداد بالایی از افعال رابطه‌ای برجسته می‌شود (۴۷ درصد موارد). تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

حسن میمندی را گفتند: سلطان محمود چندین بندۀ صاحب‌جمال دارد که هریک بدیع جهانی‌اند [...]
گفتند: فرآیند کلامی/ گوینده: نامشخص و محذوف/ پیام: [سلطان محمود چندین بندۀ صاحب‌جمال دارد که هریک بدیع جهانی‌اند ...] / دریافت‌کننده پیام: حسن میمندی
دارد: فرآیند رابطه‌ای/ مالک: سلطان محمود/ عنصر تحت‌تمک: چندین بندۀ صاحب‌جمال/ اند
هستند: فرآیند رابطه‌ای/ حمل‌کننده صفت: هریک/ صفت: بدیع جهانی

جدول ۱۳ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۷	نماید (نکو نماید)، نگاه کند، نگه کنی، در دل فرود آید، بیندازد، نتوازد، نماید	ذهنی
۱۰	دارد، بدیع جهانی‌اند، ندارد، دارد (محذوف)، ندارد، باشد، باشد، اوست، طاعت است، دوست (است محذوف)	رابطه‌ای
۲	گفتند، گفت	کلامی
۲	کند، نشان دهد	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2 = 2/72$)، فرآیندهای رابطه‌ای با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی داری ندارند. فرآیندهای رابطه‌ای با فرآیندهای ذهنی ($\chi^2 = 0/63$) نیز تفاوت معنی دار ندارند. در حکایت دوم نیز سعدی تقریباً مضمونی مشابه را بیان می‌کند. در این داستان، خواجه‌ای از بی‌ادبی بنده‌ای که دل در گرو او دارد، شکایت می‌کند و از دوستش این‌گونه نصیحت می‌شنود که هنگامی‌که عاشق و معشوقی در میان می‌آید، مالک و مملوکی از بین می‌رود. سعدی این مضمون را به‌گونه‌ای با افعال رابطه‌ای (۳۵ درصد موارد) برجسته می‌کند که گویی واقعیتی یگانه، مطلق و ساری است که در همه‌جا اثبات می‌شود. تعداد بالای افعال کلامی (۳۵ درصد موارد) هم به‌دلیل قالب مکالمه‌ای است که داستان در آن شکل می‌گیرد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

گویند خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت [...]

گویند: فرآیند کلامی / گویند: نامشخص و محذوف / پیام: [خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت]

بود (داشت): فرآیند رابطه‌ای / مالک: خواجه / عنصر تحت تملک: بنده‌ای / نظری داشت: فرآیند ذهنی / حسکننده: خواجه‌ای / پدیده: وی / افزوده موقعيتی: به سبیل مودت و دیانت

جدول ۱۴ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
.	-	مادی
۳	نظر داشت، توقع خدمت مدار، ناز کشد	ذهنی
۵	بود (داشت)، دارد، نبودی، در میان آمد، از میان برخاست	رابطه‌ای
۵	گویند، گفت، گفته، اقرار دوستی کردی، حکم کند	کلامی
۱	درآمد (به بازی و خنده)	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2 = 1/0.5$)، فرآیندهای رابطه‌ای / کلامی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی داری ندارند. آن‌ها با فرآیندهای ذهنی ($\chi^2 = 0/17$) نیز تفاوت معنی داری ندارند؛ اما تفاوت فرآیندهای رابطه‌ای / کلامی و رفتاری ($\chi^2 = 4/8$) معنی دار است.

در داستان سوم از باب پنجم، از پارسایی عاشق‌پیشه پرسیده می‌شود که چرا با وجود سختی و دشواری عشق، باز هم به رنج خود ادامه می‌دهد و او در پاسخ می‌گوید که عشق اختیار را از آدمی سلب می‌کند و همه چیز را تحت الشاعع خود قرار می‌دهد. در این حکایت، مانند دو حکایت پیشین، حالت ذهنی عاشق و آنچه بر او می‌گذرد، با تعداد بالایی از افعال رابطه‌ای نشان داده می‌شود؛ گویی که حکمی است پایدار، همیشه درست، حقیقی و انکارنشدنی. این افعال رابطه‌ای در ۲۸ درصد موارد، رابطه میان

عاشق و خودش یا عاشق و معشوق را بیان می‌کنند. افعال ذهنی در ۲۸ درصد موارد، بیانگر احساس عاشق و نگرش او هستند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

پارسایی را دیدم به صحبت شخصی گرفتار (بود)، نه طاقت صبر (داشت) و نه یارای گفتار [...]

دیدم: فرآیند ذهنی و حسکننده (شناسه «م» در دیدم / [پارسایی]: پدیده

(داشت): فرآیند رابطه‌ای / مالک: پارسایی / عنصر تحت تملک: صبر

(بود محنوف): فرآیند رابطه‌ای / پارسایی: حمل‌کننده صفت / گرفتار: صفت

جدول ۱۵ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۲	زید، نماند (قوت تقوی ازبین رفت)	مادی
۶	دیدم، ملامت دیدی، غرامت کشیدی، ترک نگفتنی (عشق را)، کوته نکنم ز دامنت دست (دست کشیدن از چیزی)، ملامتش کردم	ذهنی
۶	گرفتار (است)، نه طاقت صبر (دارد)، نه یارای گفتار (دارد)، نیست، غالب آمد (شد)، چه رسید (شد)	رابطه‌ای
۲	گفتی، گفت	کلامی
۵	بنی، گریزم، گریزم، آمد، اوفتاده	رفتاری

با توجه به مقدار کای بهدست آمده ($\chi^2=3/6$)، در سطح اطمینان ۰/۱۰. فرآیندهای رابطه‌ای / ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری دارند و به‌طور معنی‌داری بیشتر به کار رفته‌اند. آن‌ها با فرآیندهای رفتاری ($\chi^2=0/20$) و کلامی ($\chi^2=2/1$) نیز تفاوت معنی‌داری ندارند.

۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

سمینو سبک‌شناسی را رابطه میان انتخاب‌های زبان، بافت‌ها و تأثیرات آن‌ها بر مخاطب می‌داند (Semino, 2011: 541). مارتین (۲۰۰۲) معتقد است که معنی متن را بافت موقعیتی، فرهنگی و فرانش‌ها می‌سازند. چنانکه در بخش آمار توصیفی از تحلیل بسامدی افعال موجود در هر حکایت دریافتیم، رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک میان نوع مضمون در هر داستان و نوع افعال به‌کاررفته وجود دارد و فرضیه پژوهش ثابت می‌شود. در سه حکایت نخست از باب اول، بسته به نوع مضمون هر حکایت، افعال کلامی، مادی و رفتاری برجسته شده‌اند. در سه حکایت از باب دوم، تنها افعال ذهنی برجسته شده‌اند تا نحوه نگرش و بینش درویشان مشخص شود. در سه داستان نخست از باب‌های سوم،

چهارم و پنجم، افعال رابطه‌ای بسامد و قوع بالا دارند تا از واقعیت‌های موجود و آنچه در جهان انسانی رخ می‌دهد، سخن گفته شود.

در بخش آمار استنباطی و هنگام بررسی معنی‌داری تفاوت میان این بسامدها این نتیجه حاصل شده است که تفاوت‌های معنی‌دار میان فرآیندها تنها زمانی مشهود است که حکایت دارای فعل بیشتر و به سخن دیگر طولانی‌تر است؛ نظری حکایات مربوط به جدول‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ که به ترتیب دارای تعداد کلی ۲۸، ۸۴ و ۴۴ فعل هستند. در جدول‌های دیگر که به حکایت‌های کوتاه‌تر مربوط هستند و در نتیجه افعال کمتری دارند، تفاوت‌های معنی‌دار میان انواع فرآیندها کمتر دیده می‌شود؛ بنابراین، با اینکه میان بسامد افعال (فرآیندها) و مضمون ارتباط وجود دارد، این تفاوت بسامدی الزاماً به تفاوت معنی‌دار منجر نمی‌شود. در حکایت‌های کوتاه‌تر که تعداد کلی افعال آن‌ها کمتر است، تفاوت اعداد و ارقام حاصل از شمارش بسامدها نیز کمتر و اعداد به هم نزدیک‌تر هستند که این باعث از میان رفتن تفاوت‌های معنی‌دار می‌شود. اگر بخواهیم از نظر آماری به طور قطع چنین ارتباطی را موجود بدانیم، بی‌شک باید تعداد بیشتری از حکایات را بررسی کنیم در گسترهٔ پژوهش حاضر و با استفاده به پیکرۀ داده‌ای این تحقیق، چنین ارتباطی میان نوع فعل و مضمون از حیث بسامدی موجود است؛ اما از نظر اهمیت آماری و معنی‌داری، ممکن است که چنین ارتباطی موجود باشد و یا نباشد. به سخن کوتاه‌تر می‌توانیم بگوییم که آمار توصیفی و بسامد درصدی فرآیندها فرضیهٔ پژوهش را به‌طور قطع ثابت می‌کنند؛ اما آمار استنباطی الزاماً این کار را نمی‌کنند؛ زیرا در مورد برخی از حکایات (هنگامی‌که حکایات کوتاه هستند و تعداد افعال و تفاوت بسامد رخداد افعال کم است) این فرضیهٔ رد و در مورد برخی دیگر (هنگامی‌که حکایات طولانی‌تر هستند و تعداد افعال و تفاوت بسامد رخداد افعال زیاد است) ثابت می‌شود. به‌طور کلی، در این حکایت‌ها، بنابر نوع مضمون، افعال مرتبط با مضمون از نظر بسامدی برجسته‌تر هستند. این برجستگی الزاماً معنی‌دار نیست و این احتمال وجود دارد که برجستگی آن‌ها فاقد معنی باشد؛ چنانکه در بیشتر موارد، در تحلیل معنی‌داری اعداد و ارقام جدول‌ها دیدیم.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Systemic Functional linguistics
2. Form
3. Paradigmatic set of choices
4. Inheritors
5. Golding
6. Old Mrs. Grey
7. Virginia Woolf
8. Fairy tale
9. Metafunction
10. Experiential

11. Interpersonal
12. Textual
13. Form
14. Function
15. Sensor
16. Phenomenon
17. Relational
18. Attributive
19. Identifying
20. Circumstance
21. Possessive
22. Sayer
23. Verbiage
24. Receiver
25. Chi-square
26. Goal
27. Attributor

۷. منابع

- آقائلزاده، فردوس (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقشگرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش. ۱۴۹. ص ۲۲۱.
- آقائلزاده، فردوس؛ زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حسین رضویان (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقشگرا». *بهره ادب*. س. ۴. ش. ۱۱. صص ۲۴۲-۲۵۴.
- امینی، رضا (۱۳۹۲). «تحولات معنایی و ساخت اطلاع «آغازگرهای اسنادی شده» در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی در چارچوب دستور نقشگرای نظاممند هالیدی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د. ۴. ش. ۴ (پیاپی ۱۶). صص ۱-۲۹.
- حاجی‌علی‌لو، حسین (۱۳۹۰). «بررسی ساختار حکایت‌های گلستان سعدی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ش. ۳. صص ۹-۲۶.
- فلاحی، محمد‌هادی؛ توکلی، نسترن و سیامک صاحبی (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش. ۱۶. صص ۱۰۹-۱۳۴.
- گرین، جودیت و مانویلا دی الیویرا. (۱۲۸۶). *کاربرد آزمون‌های آماری در پژوهش‌های علوم رفتاری*. ترجمه‌ی علی دلاور و مهرداد پژهان. تهران: ارسباران.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶). «از زبان تا شعر: درآمدی بر زبان‌شناسی سازمانی نقشگرا و کاربرد آن در خوانش شعر». *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی*. بهکوشش پنجی مدرسی و محمد دبیر مقدم. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه علوم انسانی و



• مطالعات فرهنگی. صص ۶۹-۸۱

- (۱۳۷۶). بهسوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقشگرا. تهران: نشر مرکز.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نی‌نامه سروده مولوی بر مبنای زبان‌شناسی نقشگرای سازگانی». پژوهش‌های زبان‌شناسی در زبان‌های خارجی. د. ۲. ش. ۱. صص ۱۱۱-۱۲۹.
- نظری، جلیل؛ الهی‌زاده، صغیری و خسرو رمضانی (۱۳۹۱). «نقد روان‌شناسی گاستان سعدی». پژوهشنامه ادبیات و زبان‌شناسی. دانشگاه آزاد فیروزآباد. س. ۱. ش. ۱. صص ۱۴۱-۱۶۰.

References:

- Bhatia, V.; J. Flowerdrew & R. H. Jones (2008). "Approaches to discourse analysis". *Advances in Discourse Studies*. London: Routledge
- Birch, D. & L. M. O 'Toole (eds.). (1988). *Functions of Style*. London:
- Pinter.
- Bloor, T, & M. Bloor (2004). *The Functional Analysis of English*. London: Arnold.
- Butt, D. G, & A. Lukin (2009). "Stylistic analysis: Construing aesthetic organization. In M. A. K. Halliday and D. Webster" (eds.). *Continuum Companion to Systemic Functional Linguistics*. New York: Continuum.
- Cummings, M. & R. Simons (1983). *The Language of Literature*. Oxford: Pengamon Press.
- Firth, J. R. (1957). *Papers in Linguistics. 1934-1951*. London: Oxford University Press.
- Gunanan, B. T. (2001). "Using Transitivity as a Framework in Stylistics Analysis of Virginia Woolf's Old Mrs.Grey". *Asian EFL Journal*. Professional Teaching articles Vol.54. PP 79- 96.
- Halliday, M.A. K. (1971). "Linguistic function and literary style: An enquiry into the language of William Golding's the inheritors". *Explorations in the Function of Language*. London: Edward Arnold.
- ----- (1972). " Options and functions in English clause". In Hausholder, F. W. (ed.). *Systemic Theory I: Structuralist*. Harmondsworth: Pengamon.
- ----- . (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- ----- & R. Hassan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

- ----- (1985). *Language, Context, and Text: Aspects of Language in Social Semiotic Perspective*. Geelong, Vic: Deakin University Press. Republished in. Oxford University
- Hamel, S. C. (2011). *Semiotics, Theory and Applications*. New York: Norva Science Publishers.
- Leech, G. N. (1969). *A Linguistic Guide to English Poetry*. London: Longman.
- ----- & M. Short (1981). *Style in Fiction*. London: Longman.
- Martin, J. (2002). "Meaning Beyond the Clause: SFL Perspectives". *Annual Review of Applied Linguistics*. 22. Pp. 55-74.
- Matthiessen, M. I. M.; K. Teruya & M. Lam. (2010). *Key Terms in Systemic Functional Linguistics*. New York: Continuum.
- Richards, I. A. (1929). *Practical Criticism*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Semino, E. (2011). Stylistics. In Simpson, J. (ed.). *The Routledge Handbook of Applied Linguistics*. London: Routledge.
- Thompson, J. (1996). *Introducing Functional Grammar*. London: Arnold.
- Aghagolzadeh, F. (2005). "The application of functional linguistics in literary analysis". *Journal of Humanities Mashhad University of Ferdowsi*. No. 149. Pp. 221 [In Persian].
- Aghagolzadeh, F.; A. Kord Zaferanlou, & H. Razavian(2011). "Story stylistics based on verb: Functional approach". *Bahare Adab*. No. 11. Pp. 243-254 [In Persian].
- Amini, R. (2013). Meaning change and information structure of topicalized items in translation from english into farsi: A functional approach. *Language Related Research*. No. 4. Pp.1-29 [In Persian].
- Haji Ali Lu, H. (2011). "Investigation of Sadi's Golestan proses". *Investigation of Stylistics and Literary Criticism*. No. 3. Pp. 9-26 [In Persian].
- Falahi,M. H.; N. Tavakoli & S. Sahebi (2010). "Investigation and criticism of Golestan narration based on critical discourse analysis". *Investigation of Farsi Language and Literature..* No. 16. Pp.109-134 [In Persian].
- Green, J. & M. Oliviera (2007). *The Application of Statistical Tests on the Investigation of Behavioral Sciences*. Translated by: A. Delavar and M. Pejhan Tehran: Arasbaran.[In Persian].



- Mohajer, M. & M. Nabavi (1997a). "From language to poetry. In M. Dabir Moghadam and Y. Modaresi (eds.). *The third linguistics Conference Collection of Papers*. Tehran: Allameh Tabatabaii University [In Persian].
- Mohajer, M. & M. Nabavi (1997b). *Towards the Linguistics of Poetry: Functional Approach*. Tehran: Markaz Publication [In Persian].
- Nabilu, A. (2012). "Investigation and Analysis of Ney Nameh based on Functional linguistics". *Linguistic Investigations in Foreign Languages*. No. 1.Pp. 111-129 [In Persian].
- Nazri, J. S. Elahizadeh & Kh. Ramezani (2012). "Psychological Criticism of Sadi's Golestan". *Investigation of Farsi Language and Literature*. No. 1 Pp.141-160 [In Persian].